

بررسی نگرش دانشجویان درباره احزاب سیاسی به مثابه سازمان‌های پیکار

علیرضا محسنی تبریزی* و بهزاد رضوی آل هاشم**

*گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

**کارشناس ارشد تحقیقات گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

چکیده

تحقیق حاضر با ورود به فضای مفهومی جامعه مدنی و حکمرانی خوب، به عنوان بستر سازمان‌های پیکار سیاسی، به بررسی احزاب سیاسی و کارکردهای آن در جامعه ایران از منظر دانشجویان به عنوان یک قشر روشنفکر می‌پردازد. این مطالعه به روش پیمایشی انجام شده است. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه گردآوری گردیده و پایایی آن 0/82 محاسبه شده است. حجم نمونه پژوهش، 324 نفر از دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی و فنی مهندسی دانشگاه تهران است که از میان 2100 نفر از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های علوم اجتماعی و فنی مهندسی ورودی سال‌های 1381 و 1382 انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای جنس، رشته تحصیلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان استفاده از رسانه ها، میزان مطالعه مطبوعات سیاسی، میزان مباحث و گفتگوی سیاسی و مشارکت سیاسی با نگرش به ضرورت احزاب سیاسی رابطه معناداری دارند.

نتایج پژوهش همچنین نشان داد سازمان‌های پیکار و بویژه احزاب سیاسی، در ایجاد و تقویت جامعه مدنی و حکمرانی خوب کارکردهای مثبت و منفی دارند. زنان نسبت به مردان گرایش کمتری به احزاب نشان داده اند. رابطه تحصیلات با میزان موفقیت احزاب سیاسی در تأسیس و توسعه جامعه مدنی در وضعیت کنونی ایران معکوس است.

واژه‌های کلیدی: احزاب سیاسی، سازمان‌های پیکار، جامعه مدنی، حکمرانی خوب، نگرش سیاسی.

A Study of Students' Attitudes towards Political Parties as Combat Organizations

A., Mohseni Tabrizi* and B., Razavi Alehashem**

*Department of social sciences , University of Tehran

**M.Sc. researcher of Social Science- University of Tehran.

Abstract

Assuming students as one of the main intellectual groups in every society, the present study aims at assessing students' ideas about and attitudes toward roles and functions of political parties as combat organizations in Iran.

A survey research technique was used as a main research tool. A total of 324 graduate and undergraduate students of Tehran University, enrolled in social sciences and engineering fields during the 2003-2004 academic year, were selected out of 2100 students through a disproportional stratified sampling method with the probable desired precision of %5 ($d=0.05$) and the confidence level of %95.

Research data and other detailed information on the social economic, demographic and other background variables was collected through the structured questionnaire with internal consistencies of 0.82 ($\alpha=0.82$).

The findings convey that variables such as students' gender, students' major fields, socio-economic status (SES), exposure to media, political participation through voting and political discourse have a significant relationship with the necessity of establishing political parties in Iran.

The findings, also supported the hypothesis that, based on the subjects' attitudes, political parties as combat organizations play a significant role, positive or negative, in establishing and strengthening a functional civil society as well as an efficient government. The evidences also prove that female students are less inclined towards political parties than the male students. Finally, the findings show that the students' level of education has a reverse relationship with positive attitudes toward successful and well-accomplished political parties in establishing and developing a civil society in contemporary Iranian society.

Key Words: political parties, Combat Organizations, civil society, Political attitudes , efficient government

تا قبل از رنسانس، دولت‌ها متکی بر سلطه و استبداد
حاکم به عنوان مظهر قانون همراه با دستگاه پلیسی و
دیوانی بودند، بعد از آن با اعلام شعارهای آزادی،
برابری و برادری شکل جدیدی از حکومت بوجود
آمد که "جامعه مدنی" نام گرفت. "این جامعه مبتنی
بر اصولی چون فردگرایی، به رسمیت شناختن حق
توده‌ها، قانون مصوب جمعی، اقتصاد آزاد، تفکیک
قوا، حقوق شهروندی، پاسخگویی، نظارت، حق
ایجاد تشکل‌های مدنی و احزاب سیاسی برای
سازماندهی پیکار سیاسی بود" (دو ورژ، 1379:
161).

مقدمه
مطالعه و تحقیق در باب سازمان‌های پیکار در تاریخ
مطالعات اجتماعی و سیاسی سابقه چندان طولانی
ندارد. به طور کلی ملاحظات نظری و به دنبال آن
مطالعات تجربی در باب احزاب سیاسی به دوره‌ای باز
می‌گردد که اهل نظر کوشیدند رفتار سیاسی را از رفتار
اجتماعی جدا سازند. گرچه زمینه‌های فکری این
تلاش‌ها به دوره نوزایش برمی‌گردد، اما این
کوشش‌ها عملاً و به طور جدی از اواسط نیمه اول
قرن بیستم آغاز شده است.

طرح و بیان مسأله

امروزه اصطلاح جامعه مدنی در علوم اجتماعی به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از نهادها، مؤسسات، انجمن‌ها و تشکل‌های مدنی را در بر می‌گیرد (بشیریه، 1376: 329). اگر بگوییم که ویژگی اصلی دولت، ساخت قدرت آمرانه یا آمریت و تابعیت است، در آن صورت جامعه مدنی فاقد چنین ساختی است. تمیز مفهوم جامعه مدنی از مفهوم دولت، واقعیت فروپاشی ساخت دولت مطلقه و پیدایش دولت لیبرال و حوزه بازار آزاد را منعکس می‌کند. بنابراین جامعه مدنی حوزه روابط اجتماعی و دولت حوزه روابط سیاسی و رژیم‌های سیاسی است.

رژیم‌های سیاسی را می‌توان با تکیه بر معیارهای مختلفی طبقه بندی کرد. حکومت یک نفر (تک سالاری)، حکومت چند نفر (چندتن سالاری)، حکومت همه (مردم سالاری). در یک تقسیم بندی جدیدتر، رژیم‌ها به دو نوع کثرت گرا و وحدت گرا طبقه بندی شده اند. نظام تک حزبی ویژه رژیم‌های وحدت گراست، تنها یک حزب در آن حق موجودیت دارد و احزاب دیگر آزاد نیستند. حزب خود جزو سازوکار لازم رژیم است و تحت نظارت سازمان‌های دولتی است. در رژیم‌های کثرت گرا، احزاب آزادند و هر گروه و گرایش سیاسی حق دارد دست به تشکیل حزبی بزند. در نظام چند حزبی احزاب با بزرگ کردن نقاط افتراق و اختلاف در جهت تشکیل یک سازمان حزبی مشخص بر می‌آیند و زد و خوردهای سیاسی بیشتر حول مفاهیم و موضوعات نظری در می‌گیرد. به طوری که گاهی اهداف غایی و کلی فدای اختلافات فرعی و ثانوی می‌گردد. بنابراین پیکار سیاسی و رقابت برای کسب قدرت دولتی در دو زمینه

احزاب « حامی و پشتیبان جامعه مدنی هستند، احزاب یک پا در جامعه مدنی و یک پا در حوزه دولت دارند» (Weiner, 1976: 25). احزاب یکی از مهمترین سازمان‌های پیکار و یکی از مؤلفه‌های توسعه سیاسی، حکمرانی خوب و جامعه مدنی هستند که باید مستقل از دولت با سطوح مختلف جامعه ارتباط برقرار کنند، رابط بین شهروندان و دولت باشند و برای حفاظت از آزادی و حقوق شهروندی تلاش نمایند. بنابراین جوامع غربی با الهام از این اصول، دست به انجام اصلاحاتی در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود زدند و سعی در انطباق جامعه خود با اصول و معیارهای جامعه مدنی نموده و حرکت در چارچوب این معیارها را برای رسیدن به حقوق انسانی و اجتماعی لازم دانستند.

اما جامعه مدنی در ایران - صرف‌نظر از مباحث آکادمیک آن - همزمان با انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری با درجاتی از ابهام و اجمال عنوان شد، به نحوی که امکان درج معانی مختلفی را ممکن ساخته بود. برخی هدف اساسی دولت ایران را تشکیل جامعه مدنی (مدینه النبی) می‌دانستند، برخی آن را کاملاً غربی دانسته و شیوع آن را علامت یک نوع انحراف از مسیر تفکر اسلامی قلمداد می‌کردند. در واقع با طرح این شعار ادعا شده بود که نظام موجود به آزادی‌های فردی احترام نمی‌گذارد و خواسته فعالیت گروه‌های سیاسی، بدست آوردن آزادی‌های فردی بیشتر است. اما فقدان بسترها و زمینه‌های لازم، منجر به تحلیل روند گسترش ایده جامعه مدنی و توقف روند توسعه آن گردید. به عقیده بسیاری از صاحب نظران سیاسی و اجتماعی، فقدان یا ضعف نهادهای مدنی و بویژه عدم شکل گیری احزاب سیاسی از مهمترین دلایل این ناکامی بود.

تکوین شخصیت بهنجار و توسعه مفهوم من اجتماعی، انتقال دانش‌ها و مهارت‌ها و آموزش فنون و علوم ایفا می‌کنند. تعلیم و تربیت آکادمیکی از یک سو ذخایر معنوی علمی، ادبی، اخلاقی و هنری را حفظ می‌کند و از سوی دیگر به جوانان می‌آموزد که چگونه سیستم‌های فکری مبتنی بر سنت را در جهت پیشبرد و ارتقای جنبه‌های مادی و غیرمادی توسعه از نو شکل دهند (محسنی تبریزی، 1380: 5-7).

شناخت نگرش‌ها، نوع اعتقادات و باورهای دانشجویان به مثابه گروهی روشنفکر نسبت به احزاب سیاسی کارکردهای آن، ضرورت‌ها و نیازها و نقشی که احزاب در توسعه سیاسی جامعه به مثابه نهادی اجتماعی کننده و آموزشی ایفا می‌کند از اهمیت بارزی برخوردار است، لذا در پرتو مبانی نظری مربوط به جامعه مدنی، حکمرانی خوب، سازمان‌های پیکار سیاسی، نقش احزاب در توسعه سیاسی، گروه‌های سیاسی و فعالین در توسعه سیاسی، نقش روشنفکران در توسعه سیاسی و نظایر آن، سؤالاتی در شکل پرسش‌های تحقیق تنظیم و ارائه شده است. این پرسش‌ها عبارتند از:

- 1- سازمان‌های سیاسی در شکل‌گیری جامعه مدنی، حکمرانی خوب و مآلاً توسعه سیاسی چه نقشی دارند؟
2. ضرورت‌ها و کارکردهای سازمان‌های پیکار (احزاب سیاسی) در ایران کدامند؟
3. نگرش و نگاه دانشجویان بعنوان قشری از روشنفکران جامعه نسبت به ضرورت، کارکرد، وظایف و نقشی که احزاب سیاسی در توسعه سیاسی کشور می‌تواند ایفا کند، چگونه است؟

وجود دارد: از یک سو افراد و گروه‌ها و طبقاتی که برای به دست آوردن، تقسیم کردن یا زیر نفوذ قرار دادن قدرت مبارزه می‌کنند و از سوی دیگر میان قدرتی که فرمان می‌راند و شهروندانی که در برابر آن مقاومت می‌ورزند (دو ورژ، 1379: 15 و 32).

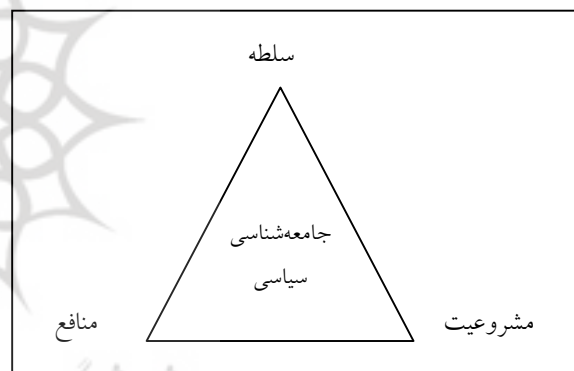
احزاب سیاسی و گروه‌های صاحب نفوذ، سازمان‌هایی هستند که قطع نظر از اهداف خود چون لشگری منظم برای مبارزه سیاسی به میدان آورده می‌شوند. هرچه تشکیلات آنان منظم تر و منضبط تر باشد و بتوانند اعضا و افراد را بهتر به صورت مطیع و تابع خود در آورند، این حربه سازمانی برای پیشبرد اهداف سیاسی مؤثرتر و کارآمدتر خواهد بود. به هر حال شیوه سازمان بندی نهادهای سیاسی جامعه مدرن در نحوه بیان سیاست مؤثر است.

از آنجا که دانشجویان بعنوان یکی از گروه‌های روشنفکر¹ در جامعه مدرن تلقی می‌شوند (Lipset, Rosen and Wolff, 2005, 1998, Gundelach, percheron, 1992, 1973)، شناخت باورها، نگرشها و عقاید آنان در طراحی برنامه‌های توسعه سیاسی و اجتماعی حایز اهمیت است (Abramson and Danial bell, 1991, 1986 Inglehart, 1998 Gundelach).

موفقیت کشورهای در حال توسعه در اجرای برنامه‌های نوسازی تا حدود زیادی به نحوه پیشرفت دانشگاهها در آن کشورها بستگی دارد. دانشگاه‌ها یک وسیله نهادی برای توسعه و نوسازی سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ محسوب می‌شوند. آنها همچنین یک وسیله نهادی در تربیت سیاسی و اجتماعی به مثابه آژانسی اجتماعی کننده نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی،

چارچوب نظری

با توجه به اینکه جامعه مدنی و حکمرانی خوب از یک طرف با جامعه شناسی و از طرف دیگر با علم سیاست مرتبط هستند، در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بررسی می‌شوند. جایگاه این حوزه علمی در شکل دهی به نیروهای اجتماعی و سیاسی آشکار است. چارچوب کلی جامعه‌شناسی سیاسی را می‌توان در قالب مثلثی ترسیم نمود که به عناصر تشکیل دهنده زندگی سیاسی اشاره می‌کند. این عناصر عبارتند از: قدرت، سلطه و زور¹، مشروعیت² و منافع³ (بشیریه، 1378: 20). این مفاهیم ارکان اصلی جامعه سیاسی هستند که هم کارگزاران زندگی سیاسی و هم شهروندان با آن سروکار دارند.



مفهوم مشروعیت پیوند می‌دهد. در این مفهوم عامه مردم به عنوان دریافت‌کننده پیام‌های ایدئولوژیک، با چهره مشروعیت‌بخش دولت آشنایی بیشتری دارند. در نهایت گروه‌های علاقمند به سرمایه‌گذاری و... با وجهه تأمین منافع، ارتباط نزدیک تری برقرار می‌کنند (Weber, 1947: 125). از آنجا که جامعه مدنی درصدد فراهم کردن امکان دسترسی به عرصه عمومی برای منافع همگان است می‌توان آن را از بحث منافع استخراج نمود و ارتباط آن را با چهره‌های دولت مورد بررسی قرار داد.

هر دولتی به داشتن حداقلی از سه چهره مذکور نیازمند است. هیچ دولتی نیست که حداقلی از دستگاه‌های سلطه نداشته باشد، یا ایدئولوژی و توجیه برای اقتدار و آمریت خود عرضه نکند و یا به منافع گروه‌ها کاملاً پشت کند و اعتنایی به جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی نداشته باشد. همچنین دولت ممکن است در هریک از این چهره‌ها دچار بحران شود: دولتی که در حفظ نظم و امنیت و کنترل قدرت سیاسی دچار ضعف گردد به بحران سلطه دچار شده است که می‌تواند به نابودی نظام سیاسی منجر شود (بشیریه، 1378: 25).

بشیریه، 1378: 25). برخی مکاتب و دیدگاه‌های دولت، پذیرش اعمال قدرت را محتاطانه تلقی می‌کند. تأیید استفاده از قدرت جز برای حفاظت نیست. اندیشه‌های مکتب قرارداد درباره حکومت محدود و منتخب، بعدها در نظریه دموکراتیک راه یافت. این مکتب با تأکید بر اراده عمومی و شناخت منافع واقعی مردم، اعمال قدرت حاکمیت را توجیه می‌کند. بنابراین در پاسخ به اینکه چرا مردم از حکومت اطاعت می‌کنند، باید گفت به خاطر منافع خود چنین می‌کنند، یعنی معادله

هر یک از اضلاع مثلث مذکور را می‌توان به عنوان یک چهره از دولت‌ها و رژیم‌های سیاسی در نظر گرفت. هریکشی از جامعه معمولاً با یکی از وجوه سه گانه فوق آشنایی بیشتری پیدا می‌کند. دولت یک نهاد اجباری است و براساس میزانی از سلطه و آمریت استوار است. ماکس وبر⁴ با تأکید بر انحصار استفاده مشروع از زور، آشکارا مفهوم دولت را با

1- Authority

2- Legitimacy

3- Benefits

4- Max weber

از طریق القای ارزش‌های مشترک و وجود هنجارهای فرهنگی گسترده (Parsons, 1951). "نیرومندترین مرد هرگز به اندازه کافی نیرومند نسیت تا همیشه فرمانروا باشد، مگر اینکه قدرت را به حق و اطاعت را به وظیفه بدل کند" (Rousseau, 1913: 6).

بنابراین در تبیین اینکه چرا مردم از کسانی که مدعی قدرت و اقتدار بر آنها هستند، اطاعت می‌کنند، دیوید هلد، زنجیره فرمانبرداری یا اطاعت از قدرت را به شرح زیر مطرح کرده است (جدول 1):

سود و زیان. به عقیده دیوید هیوم، هیچ اصل دیگری غیر از منفعت وجود ندارد. اگر منفعت در درجه اول موجب اطاعت از حکومت می‌گردد، پس هرگاه منفعت به هر میزانی قطع گردد، تعهد نسبت به اطاعت باید متوقف شود (Hume, 1978: 553).

نظریه سیستم‌ها، مشروعیت را برای حفظ نظام‌های اجتماعی و سیاسی بسیار مهم می‌داند. پارسونز در نظریه نظام اجتماعی استدلال کرده است که یکی از کارکردهای اصلی نظام اجتماعی حفظ الگوست که عبارت است از: توانایی سیستم برای تامین ثبات آن

جدول 1- زنجیره فرمانبرداری یا اطاعت از قدرت

1	دستور یا اجبار	که در پیروی از آن هیچ انتخابی وجود ندارد
2	سنت	هرگز درباره آن اندیشیده نشده و ما آن را همانگونه انجام می‌دهیم که همیشه انجام شده است.
3	بی تفاوتی	در هر صورت برای ما فرقی نمی‌کند.
4	پذیرش مصلحت گرایانه	اگرچه این وضعیت را قبول ندارد و برایش رضایت بخش نیست ولی تصور وضعیت مطلوب نیز دور از تصور است.
5	پذیرش ابزاری یا رضایت مشروط	از وضعیت موجود ناراضی است اما با آن همراه است. تا هدفی را بدست آورد زیرا در دراز مدت به نفع اوست.
6	موافقت هنجاری	با توجه به شرایط و اطلاعاتی که در دسترس است نتیجه گیری می‌کنیم که این کار برای ما درست صحیح و شایسته است و واجب است و باید انجام دهیم.
7	موافقت هنجاری آرمانی	آن چیزی که در صورت فراهم بودن تمام دانش مورد نیاز و فرصت‌های لازم باید انجام شود

بحران مشروعیت در سه نوع قابل تفکیک است: بحران درجه 3 که متوجه حکام سیاسی است؛ بحران درجه 2 که متوجه سیاست‌های رایج است و بحران درجه 1 که در آن کل نظام سیاسی زیر سوال می‌رود. بعلاوه ممکن است اساس فکری مشروعیت نظام، بدلالی چون ورود نظام‌های فکری و ارزشی جدید، ظهور شخصیت‌های کاریزماتیک و یا بروز اندیشه عقلانیت دچار تزلزل شده باشد" (بشیریه، 1378: 22).

این زنجیره از درک یا باور مردم به اینکه آنها در این مساله هیچ گونه حق انتخاب ندارند گرفته تا اعتقاد به درستی آن را در بر می‌گیرد. هلد مشروعیت را به دسته‌های ششم و هفتم محدود می‌کند و دسته پنجم را شکل ضعیفی از مشروعیت می‌داند. بحران مشروعیت زمانی اتفاق می‌افتد که قواعد اساسی حکومت مورد تردید قرار گیرد، مخالفت‌ها گسترش یافته و متوجه قواعد زیربنایی نظام سیاسی شود.

تشکلها، احزاب، اتحادیه‌ها و انجمن‌های صنفی برای تبیین و اجرایی شدن خواستها و تقاضاهای گوناگون در جامعه و سیاست حاکم ایجاد می‌شوند. برای تحقق جامعه مدنی نهادهای مذکور از پایین پا به عرصه وجود می‌گذارند و کانال‌های رابط بین مردم و سیاست عمومی هستند.

امروزه جامعه مدنی یک بحث جهانی است. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای غربی در جهت به انضباط درآوردن فعالیت گروههای اجتماعی و تأمین منافع و رفاه توده‌ها به منظور جلوگیری از وقوع انقلابات محتمل برآمدند. رکود و بحران اقتصادی ناشی از جنگ و بدنبال آن افزایش نقش دولتها در بازسازی و... به ظهور ایدئولوژی‌هایی چون ناسیونالیسم، سوسیالیسم و فاشیسم منجر شد. با کاهش تنش‌های جهانی، تضعیف مرزها و گسترش ارتباطات بین‌المللی، گرایش به محدودسازی دولت و تقویت جامعه مدنی احیاء گردید. معنای اخیر آن تضعیف اقتدار دولتها و ایدئولوژی‌های کلان است (بشیریه، 1378: 27).

بطور کلی دو نوع نگرش نسبت به جامعه مدنی وجود دارد:

- "نگرشی که در آن جامعه مدنی یا دولت در مقابل جامعه بدوی، طبیعی و استبدادی قرار داشته و چنین تعریف شده است: «جامعه مدنی جامعه‌ای است قانونمدار، مبتنی بر قراردادهای اجتماعی شفاف، حافظ حقوق افراد، مبتنی بر حاکمیت ملی و توزیع‌کننده قدرت در چارچوب احزاب و شوراهای

- نگرشی که در آن جامعه مدنی بعنوان حوزه‌ای مستقل و در مقابل دولت قرار داشته و چنین تعریف شده است: «جامعه مدنی حوزه مستقل و سازمان

وقتی بحران مشروعیت گسترش یابد در آن صورت گرایش به جامعه مدنی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به طور کلی میان اقتدارگرایی دولت از یک سو و گسترش حوزه عمومی و جامعه مدنی از سوی دیگر همواره تعارض وجود دارد. تحولاتی که به بحران و تضعیف وجوه اقتدارگرایانه دولتها انجامیده، لاجرم مجال بیشتری برای گسترش حوزه عمومی و جامعه مدنی پدید آورده است.

جامعه مدنی¹

جامعه مدنی بر اصول متعددی استوار است: استقلال فردی، عقلانیت، آزادی، حقوق شهروندی، قانونگرایی پاسخگویی، نظارت و محوریت آرای عمومی. این اصول تا حد زیادی معیارهای مشروعیت حکومت یا حکمرانی خوب را نیز تعیین می‌کنند. تحقق این اصول، مستلزم ایجاد تشکل‌ها و لایه‌های مختلف اجتماعی است. جامعه مدنی سه لایه را شامل می‌شود: لایه بالا²؛ حکومت و دولت (قدرت)؛ که باید خواسته‌های مردم را در سایه قانون جامه عمل بپوشاند. لایه میانی³؛ تشکل‌ها و احزاب؛ سازمان‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که در جهت تأمین منافع اعضای خود تصمیم می‌گیرند و لایه پایین⁴؛ که توده مردم با خواسته‌ها و نیازهای پراکنده (شهروندان) هستند (بشیریه، 1376).

در یک جامعه مدنی، نهادها به طور طبیعی، خودجوش و با توجه به نیازهای ساختاری در بستر تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ظهور پیدا می‌کنند.

1 - Civil Society

2- High Class

3- Middle Class³

4- Low Class

مارکس؛ جامعه مدنی را حوزه روابط اقتصادی یا روابط زیربنایی و مجموعه روابط میان افراد و طبقات می‌داند که خارج از حوزه روبنایی دولت قرار دارند. جامعه مدنی پایگاه طبیعی دولت است و ویژگی عمده آن فردیت، رقابت و منازعه است (بشیریه، 1376: 332).

گرامشی؛ برخلاف مارکس که - جامعه مدنی را در حوزه اقتصاد (زیربنا) خلاصه کرده بود - آن را به مفهوم حوزه روبنایی به کار می‌برد. سرمایه‌داری توسط روبنا به سلطه خود می‌پردازد و جامعه مدنی موجب مشروعیت دولت سرمایه‌داری و پایداری آن می‌شود. دولت با استفاده از نهادهای مدنی، فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق خود را در بین توده‌ها گسترش داده و به انتقال آگاهی کاذب می‌پردازد. در جامعه مدنی قدرت طبقه حاکمه به عنوان هژمونی⁶ استیلای فکری ظاهر می‌شود (Hamilton, 1989: 78).

هابرماس؛ متفکر مکتب فرانکفورت، از عرصه عمومی⁷ جهت تعبیر از جامعه مدنی استفاده کرده و آن را قلمروی از زندگی اجتماعی می‌داند که در آن افکار عمومی شکل می‌گیرد (Habermas, 1970: 34). افراد با ورود به عرصه عمومی، خود را از بایدهای خویش رها ساخته، به طور شفاف خود را دیده و درک می‌کنند. عرصه عمومی از اعمال سلطه فارغ است و در آن امکان رهایی انسان فراهم می‌شود. "جامعه مدنی حوزه اجماع و عرصه عمومی، و دولت حوزه اجبار و کنترل اجتماعی است"

(Habermas, 1979: 144).

یافته‌ای است که در عین تنظیم رفتار شهروندان و محدود ساختن ملاحظات دولت، میانجی مناسبات دولت با اتباعشان نیز هست" (علیجانی، 1376: 25 و 26).

براین اساس از نظر تاریخی مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی در چند معنای متفاوت به کار رفته است:

- به مفهوم دولت، در مقابل وضع طبیعی در اندیشه اصحاب مکتب قرارداد اجتماعی؛
- به مفهوم زیربنا، حوزه روابط مادی، علایق اجتماعی و طبقاتی در اندیشه مارکس¹؛
- به مفهوم روبنا، مرکز قدرت ایدئولوژیک و هژمونی طبقه حاکمه در اندیشه گرامشی²؛

- به مفهوم عرصه عمومی در اندیشه مکتب فرانکفورت بویژه هابرماس³ (بشیریه، 1376: 330).
مکتب قرارداد اجتماعی، جامعه مدنی یا دولت را در برابر وضع طبیعی قرار داده و گذر از وضع طبیعی⁴ به وضع مدنی⁵ را تغییر عمده‌ای در حیات بشری می‌داند. مبنای تشکیل اجتماع، پیمان فرضی قرارداد اجتماعی است. آزادی طبیعی بوسیله قدرت افراد محدود می‌گردد، در حالیکه آزادی مدنی، مقید به اراده عمومی است. از حکمران خوب انتظار می‌رود نظم جامعه را حفظ کند، از حقوق مدنی، آزادی‌ها و دارایی‌های افراد حفاظت و حمایت نماید. در این مکتب، مشروعیت حاکم و فرمانروا تا جایی است که اراده عمومی و خیر همگانی را تضمین کند (راش، 1377: 56).

1-Marx

2-Gramshi

3-Habermas

4- Natural State

5- Civil State

6 - Hegemony

7 - Public Sector

چارچوب آنها تکامل یافته‌اند (دو ورژن، 1379):
(160).

به طور کلی سازمان‌های سیاسی به دو گروه تقسیم بندی می‌شوند: احزاب و گروه‌های ذینفوذ³ (فشار). هدف مستقیم احزاب به چنگ آوردن قدرت یا شرکت در اعمال آن است. احزاب در پی آنند که در انتخابات کرسی‌هایی به دست آورند، نماینده و وزیری داشته باشند و سررشته حکومت را بدست گیرند. گروه فشار، سازمانی است که برای دفاع یا نمایندگی از نگرش‌های محدود و ویژه یا ارتقای آنها کوشش می‌کند (راش، 1377: 127). گروه‌های ذینفوذ (فشار) برآنند که زمامداران را زیر نفوذ خود گیرند و برای تحقق اهداف خود به آنان فشار آورند.

Weiner, Lapalombara (1976)، تعریف جدیدی از احزاب جدید بدست می‌دهند که مورد قبول اکثر نویسندگان قرار گرفته است. این تعریف متضمن چهار شرط اساسی است: نخست آنکه حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایدار است که حیات سیاسی آن از حیات بنیانگذاران آن فراتر باشد. دوم آنکه تشکیلات حزبی دارای سازمانی مستقر در محل همراه با زیر مجموعه‌هایی باشد که در سطح ملی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابل داشته باشند. سوم آنکه اراده رهبران ملی و محلی سازمان بر کسب قدرت استوار باشد نه بر اعمال نفوذ و چهارم آنکه حزب باید در پی کسب حمایت عمومی بویژه از طریق انتخابات باشد (نقیب زاده، 1378: 18). شرط اول ضامن دوام و بقای حزب، شرط دوم فرق حزب و گروه پارلمانی، شرط سوم

بنابراین در مقاله حاضر، دولت و جامعه مدنی مکمل یکدیگر تلقی شده است. دولت به عنوان حکمران جامعه می‌تواند قدرت خود را به اقتدار و مشروعیت بدل سازد و با پیگیری حقوق شهروندی و میدان دادن به احزاب و تشکلهای در جهت منافع ملی حرکت نموده و با تن دادن به سازوکارهای حکمرانی خوب، چون پاسخگویی و نظارت و... به صیانت از جامعه مدنی بپردازد. در مقابل جامعه مدنی با ایجاد امکان دسترسی شهروندان به حوزه عمومی، در تحقق آزادی، برابری و عدالت تلاش کرده و مشروعیت حکومت را افزایش می‌دهد. بنابراین هرچه مشروعیت یک حکومت افزایش یابد به همان میزان حکمرانی خوب تحقق پیدا کرده است.

سازمان‌های پیکار¹ (احزاب سیاسی)²

در اجتماعات بزرگ انسانی و خاصه در کشورهای نوین، پیکار سیاسی میان سازمان‌های کم و بیش تخصصی که نوعی ارتش سیاسی به شمار می‌آید، جریان می‌یابد. این سازمان‌ها، گروه بندی‌های بنیان یافته و منظمی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و اهداف نیروهای اجتماعی منجمله طبقات، واحدهای محلی و دسته‌ها و جماعات دارای منافع ویژه را بیان می‌کنند و خود نیز وسیله کارکرد سیاسی آنان می‌باشند. خصلت تشکل یافته پیکار سیاسی یکی از مشخصات اساسی عصر ماست که کم و بیش امری عمومی است ولی از یک قرن پیش تاکنون شیوه‌های فنی سازمان بندی‌های جمعی و

1-Combat organizations
2-Political Parties

3- Pressure Groups

موکلان، قیمان بر قیمومت شدگان تولد می‌یابد. سخن از سازمان، سخن از الیگارشی است (نقیب زاده، 1378: 22).

حزب گرایی یا فعالیت حزبی، نوعی مشارکت سیاسی است که درگیر شدن فرد در سطوح مختلف نظام سیاسی را شامل می‌شود. مشارکت سیاسی با اجتماعی شدن سیاسی رابطه دارد. در مشارکت سیاسی باید سه جنبه را بررسی کرد: شیوه مشارکت، شدت و کیفیت آن (Parry, 1990: 147).

شیوه مشارکت بسته به فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج متفاوت است. منظور از شدت، سنجش تعداد دفعات مشارکت افرادی است که در فعالیت‌های سیاسی معین شرکت می‌کنند.

کیفیت به میزان اثر بخشی که در نتیجه مشارکت به دست می‌آید و سنجش تأثیر آن مربوط می‌شود (همان).

بنابراین مشارکت سیاسی دارای سلسله مراتبی است که از عدم درگیری تا گرفتن مقام رسمی یا عضویت فعال حزبی متغیر است. پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی، رأی دادن در انتخابات است. در بالای این سلسله مراتب نیز کسانی هستند که انواع گوناگون مقامات رسمی را در نظام سیاسی برعهده دارند (جدول 2).

وجه تمایز حزب با گروه فشار و شرط چهارم وجه ممیزه احزاب با گروه‌های تروریستی و متکی بر زور است.

بنابراین حزب؛ گروه پایدار مردمی است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم‌اند و برای بدست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی و مسالمت آمیز مبارزه می‌کنند (عالم، 1375: 345).

همچنین سه برداشت اساسی در مورد پیدایش احزاب وجود دارد. برداشت نهادی¹ که بر پایه آن حزب با توسعه پارلمانتاریسم و گسترش رأی همگانی رابطه نزدیکی پیدا می‌کند. برداشت تاریخی² که احزاب را شکل تلطیف یافته نزاع‌هایی می‌داند که در تاریخ اروپا وجود داشته است. و برداشت توسعه‌گرا³ که از زوایه گذار از سنت به تجدد به حزب نگریسته است (Lipset, 1967: 34).

دوورژه دو نوع منشاء برای احزاب جدید ذکر می‌کند: منشاء پارلمانی و منشاء خارجی. منشاء اول از تلفیق گروه‌های پارلمانی و کمیته‌های انتخاباتی فراهم می‌آید. هماهنگی و ارتباط میان این دو عنصر براساس یک نگرانی طبیعی است که ناشی از تمایل نمایندگان موجود به حفظ قدرت سیاسی خویش است. منشاء خارجی مربوط به احزابی است که هسته اولیه آنها در قالب مجامع فکری، باشگاه‌های عمومی و حتی به صورت طرفداران یک روزنامه پدید آمده است (دوورژه، 1379: 165).

حزب به هر صورت که تشکیل شود نیازمند توده‌های مردم است و سازمان چشمه‌ای است که از آنجا سلطه انتخاب شدگان بر انتخاب کنندگان، و کیلان بر

1 - Institutional

2 - Historical

3 - Developmental

جدول 2- سلسله مراتب مشارکت سیاسی

داشتن مقام رسمی سیاسی (حکمرانی)
عضویت فعال در سازمان یا حزب سیاسی
مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و..
عضویت انفعالی در سازمان یا حزب سیاسی
مشارکت در بحث‌های سیاسی غیر رسمی
رأی دادن

شکل دهی و تقویت نهادهای مدنی راه به جایی نبرده است. بنابراین احزاب در فرآیند توسعه مدنی جامعه، کارکردهای مثبت و منفی داشته اند. از مهمترین کارکردهای مثبت احزاب می‌توان: کارکرد آموزشی¹ - مشارکتی² - جامعه‌پذیری³ - تجمیع⁴ و مشروعیت بخش⁵ و... را نام برد (اطاعت، 1378: 22). از کارکردهای منفی آن نیز می‌توان به: ترجیح منافع حزبی، ایجاد بی‌ثباتی، تمرکز و استبداد حزبی و... اشاره کرد (کاظمی اخوان، 1376: 74).

در یک جمع بندی می‌توان گفت که احزاب، از مهمترین سازمان‌های پیکار سیاسی هستند که در جهت کسب قدرت از راههای مسالمت آمیز تلاش می‌کنند. احزاب می‌توانند در فرآیند گسترش جامعه مدنی نقش اساسی ایفاء نمایند. احزاب در صدد دفاع یا نمایندگی از طیف وسیع تری از نگرش‌ها یا ارتقای آنها هستند و برای دوام و بقای خود، نیاز به حضور و حمایت نهادهای پارلمانی، حوزه عمومی و مشارکت سیاسی دارند. بنابراین شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی و احزاب، شرط ضروری توسعه سیاسی به شمار می‌آید.

عدم درگیری در سیاست

قدرت ممکن است برای همیشه در میان صاحبان مقامات رسمی قرار نگرفته باشد. پایین تر از کسانی که در نظام سیاسی، مقام رسمی دارند، کسانی قرار دارند که عضو فعال سازمان‌های سیاسی، احزاب و گروههای فشار هستند. در این سازمان‌ها، فرد فرد اعضای جامعه می‌توانند در انواع معینی از فعالیت‌های سیاسی شامل دفاع از اندیشه‌ها، مشاغل، موقعیتها، افراد یا گروههای معین یا از تقای هر یک از آنها مشارکت کنند (راش، 1377: 126).

چهار عامل باعث می‌شود که فرد یا گروه تمایل بیشتری برای مشارکت نشان دهد: 1. علایق و منافعش در معرض سیاست‌های دولت باشد. 2. به اطلاعات مربوط به تصمیمات سیاسی دسترسی داشته باشد. 3. در معرض فشارهای اجتماعی نباشد. 4. برای رأی دادن به احزاب مختلف تحت فشار نباشد (محسنی تبریزی، 1375: 34).

در جوامعی مانند جامعه ایران که ریشه در استبداد تاریخی داشته است، مردم در توزیع قدرت مشارکت نداشته اند. تشکلات حزبی بیشتر دولتی بوده و به جای برخاستن از متن توده‌ها با فشار اجتماعی نخبگان و در جهت توجیه سیاست‌های دولت ایجاد شده اند. لذا در جهت دهی پایدار به افکار عمومی و

¹ - Training

² - Participational

³ - Sociobility

⁴ - Accumulate

⁵ - Legitimacy

پیشینه تحقیق

واژه (Party) در لاتین به معنای "رفتن و قسمت کردن" است که معنای فارسی آن را حزب برگزیده اند. در اروپا واژه حزب از قرن هجده در ادبیات سیاسی رایج شد و در آن بر نقش برنامه در گردهم آوردن افراد متفرق که لازمه تشکیل حزب است تأکید گردید. در قرن نوزدهم این واژه با گرایش یا طرز فکر مترداف بود که اندیشه‌های یک طبقه یا گروه اجتماعی مشخص را به نمایش می‌گذارد، مانند حزب کارگر که گرایشی برای دفاع از منافع کارگران بود (هانتینگتون، 1370: 492).

Michels.R (1959)، در مطالعه جامعه‌شناختی معتقد است که احزاب سیاسی مانند هر نهاد اجتماعی دیگری دچار نظام دیوانسالار متمرکز شده و از کنترل اعضای خود خارج می‌شوند. احزاب که برای حفاظت از دموکراسی بوجود می‌آیند، بعد از مدتی دچار استبداد حزبی شده و در آن عده‌ای به صورت الیگارشیک رهبری حزب را بر عهده می‌گیرند. این مطالعه بر کارکردهای منفی احزاب پرداخته و نگاه بدبینانه‌ای به آن دارد.

واژه حزب و حزب ... در قرآن و ادبیات اسلامی بیانگر نوعی تفکیک میان گروه‌های اجتماعی بوده و در عین حال فعال بودن این گروه‌ها را نیز شامل می‌شود (بشیریه، 1378: 34).

حسین بشیریه (1378)، در مطالعه "جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران" به ساخت قدرت در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و به تجربه حزب در ایران نیز اشاره کرده است.

مصطفی تاج زاده (1376)، در مطالعه "توسعه سیاسی در ایران" به نقش و کارکردهای احزاب سیاسی و اثرات آن بر توسعه سیاسی پرداخته است. زایرکعبه (1380)، در رساله خود "کارکردهای احزاب سیاسی در جامعه مدنی" با بررسی آرای صاحب نظران، کارکردهای احزاب سیاسی و نقش آن در تقویت جامعه مدنی را مورد بررسی قرار داده است.

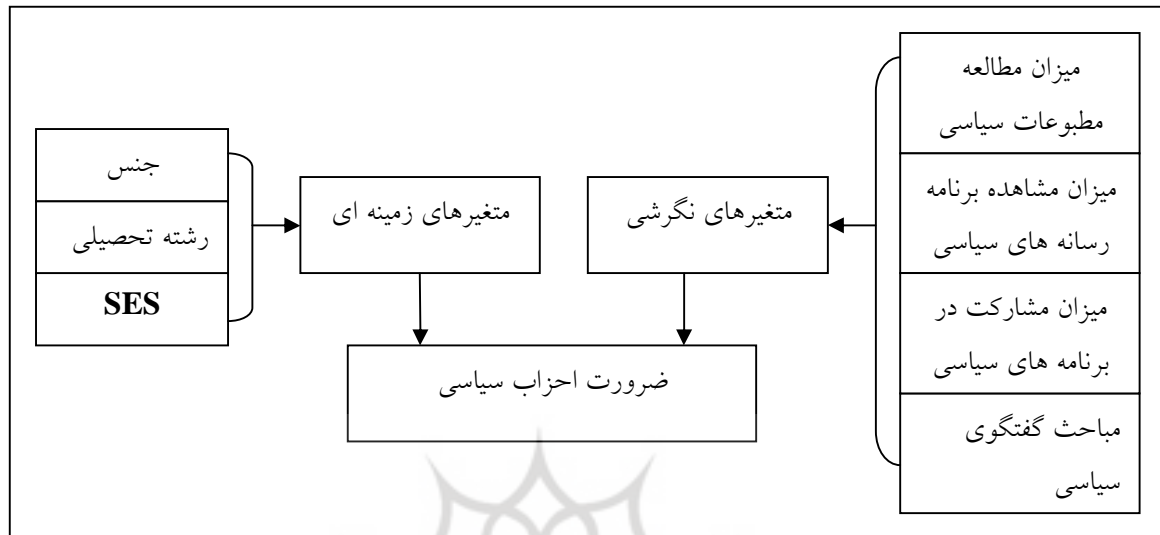
مدل تحلیلی تحقیق

در پرتو مبانی نظری جامعه‌شناسی سیاسی، فضای مفهومی جامعه مدنی و دولت، می‌توان احزاب سیاسی را یکی از مهمترین مؤلفه‌های جامعه مدنی و حکمرانی خوب دانست. احزاب از یک سو با پیگیری منافع عمومی، حامی و پشتیبان جامعه مدنی هستند و از سوی دیگر با به دست گرفتن قدرت در حوزه دولت گام می‌گذارند. بنابراین بررسی ضرورت احزاب سیاسی به عنوان یک شاخص مهم در تحقق جامعه مدنی و حکمرانی خوب می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد.

در این تحقیق به سنجش نگرش دانشجویان در باب احزاب به مثابه سازمان‌های پیکار سیاسی پرداخته شده است. نگرش به ضرورت و کارکرد احزاب سیاسی به عنوان متغیر وابسته تحقیق مطرح شده است. متغیرهای مستقل شامل: متغیرهای زمینه‌ای: جنس، رشته تحصیلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و متغیرهای نگرش سنجی به تبعیت از الگوی سلسله مراتب مشارکت سیاسی چون: میزان مطالعه مطبوعات سیاسی، میزان مشاهده برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها، مشارکت در اجتماعات مدنی، عضویت در

سازمان‌های سیاسی و مشارکت در بحث و گفتگوی سیاسی را شامل می‌شود. این مدل به صورت زیر ترسیم شده است (شکل 1):

شکل 1: مدل تحلیلی عوامل مؤثر بر نگرش به ضرورت احزاب سیاسی



و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار Spss، آماره‌های توصیفی و استنباطی، χ^2 و Phi، برای سنجش رابطه معناداری و ضریب همبستگی میان متغیرها انجام شده است. متغیرهای مستقل تحقیق در دو نوع؛ متغیرهای زمینه‌ای شامل: جنس، رشته تحصیلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و متغیرهای نگرش سنجی شامل: میزان مطالعه مطبوعات سیاسی، میزان مشاهده برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها، میزان بحث و گفتگوی سیاسی و مشارکت مدنی و سیاسی است. متغیر وابسته تحقیق نیز نگرش به ضرورت و کارکردهای سازمان‌های پیکار (احزاب سیاسی) در جامعه ایران است.

یافته‌های پژوهش

همچنانکه گفته شد جامعه آماری، دانشجویان علوم اجتماعی و فنی مهندسی دانشگاه تهران می‌باشد. برای شناسایی سیمای نمونه مورد مطالعه، هریک از

روش شناسی

این تحقیق به روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و پیمایشی (میدانی) انجام شده است. در بخش اسنادی از منابع و تحقیقات پیشین و... در بخش میدانی از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پاسخگویان تعداد 2100 نفر از دانشجویان - مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ورودی سال‌های 1381 و 1382 دانشکده‌های علوم اجتماعی و فنی مهندسی دانشگاه تهران بوده است. بدلیل مشخص بودن اندازه جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به تعداد 324 نفر تعیین شده است.

برای سنجش پایایی پرسشنامه، آزمون مقدماتی¹ بر روی 50 نفر با خصوصیات مشابه انجام شد و مقدار آلفا (82%) بیانگر سنجش متغیرها بود. تجزیه

¹ - Pretest

شاخص‌های مورد نظر در جداول توزیع فراوانی ارائه شده اند.

جدول 3- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای تحقیق

متغیرها	سنجه متغیر	فراوانی	درصد
جنس (متغیر مستقل)	مرد	108	33/3%
	زن	216	66/7%
رشته تحصیلی (متغیر مستقل)	علوم انسانی	130	40/1%
	فنی مهندسی	194	59/9%
SES پایگاه اقتصادی - اجتماعی (متغیر مستقل)	پایین	96	30%
	متوسط	134	41%
	بالا	94	29%
مطالعه مطبوعات سیاسی (متغیر مستقل)	کم	96	29/63%
	متوسط	190	58/64%
	زیاد	38	11/73%
مطالعه برنامه سیاسی رسانه‌ها (متغیر مستقل)	کم	112	34/56%
	متوسط	180	55/56%
	زیاد	32	9/88%
مباحث و گفتگوی سیاسی (متغیر مستقل)	کم	80	24/7%
	متوسط	166	51/2%
	زیاد	78	24/1%
مشارکت مدنی و سیاسی (متغیر مستقل)	کم	54	16/7%
	متوسط	184	56/8%
	زیاد	86	26/5%
ضرورت احزاب سیاسی (متغیر وابسته)	کم	67	21%
	متوسط	81	25%
	زیاد	176	54%

برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون و...)، 51 درصد از لحاظ میزان شرکت در مباحث سیاسی و 56 درصد از لحاظ میزان مشارکت مدنی و سیاسی (انتخابات و...) در سطح متوسط قرار داشته اند. 54% پاسخگویان نیز ضرورت احزاب سیاسی را در جامعه ایران، زیاد ارزیابی کرده اند.

با توجه جدول 3، از لحاظ جنسیت، بیشترین تعداد حجم نمونه را زنان با (66/7) درصد تشکیل می‌دهند. رشته تحصیلی 60 درصد از پاسخگویان را فنی مهندسی تشکیل می‌دهد. 41 درصد از لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی، 59 درصد از نظر میزان مطالعه مطبوعات سیاسی، 55/5 درصد از لحاظ میزان مشاهده

جدول 4- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ضرورت و کارکرد احزاب

کارکرد	میزان	فراوانی	درصد
ضرورت و کارکرد آموزشی	کم	70	22%
	متوسط	75	23%
	زیاد	179	55%
ضرورت و کارکرد مشارکتی	کم	59	18%
	متوسط	87	27%
	زیاد	178	55%
ضرورت و کارکرد جامعه پذیری	کم	70	21%
	متوسط	79	25%
	زیاد	175	54%
ضرورت و کارکرد تجمیع	کم	70	22%
	متوسط	83	26%
	زیاد	171	52%
ضرورت و کارکرد شایسته سالاری	کم	62	19%
	متوسط	80	25%
	زیاد	182	56%
ضرورت و کارکرد ثبات سیاسی	کم	67	21%
	متوسط	73	22%
	زیاد	184	57%
ضرورت و کارکرد مشروعیت بخش	کم	71	22%
	متوسط	82	25%
	زیاد	171	53%

52 درصد احزاب را دارای کارکرد تجمیع دانسته اند. احزاب می‌توانند تقاضاهای پراکنده اعضاء و شهروندان را تجمیع و کانالیزه کرده، به دولت انتقال دهند و پیگیر انجام آنها باشند. 56 درصد پاسخگویان معتقدند که احزاب با انتخاب افراد نخبه و شایسته برای احراز مسئولیت‌های سیاسی در فرآیند مدنی جامعه، مؤثر واقع می‌شوند.

با توجه به جدول 4، 55 درصد پاسخگویان احزاب را دارای ضرورت و کارکرد آموزشی و مشارکتی دانسته‌اند. احزاب می‌توانند شهروندان را از تصمیمات قدرت سیاسی آگاه ساخته و موجب مشارکت سیاسی شوند. 54 درصد احزاب را دارای کارکرد جامعه پذیری دانسته‌اند. احزاب می‌توانند ارزشها و هنجارهای جامعه را در بین شهروندان درونی سازند.

57 درصد معتقدند که احزاب با مدیریت منازعات،

موجب ثبات سیاسی می‌شوند

53 درصد پاسخگویان نیز فعالیت احزاب را در جامعه

موجب افزایش مشروعیت حکومت دانسته اند.

جدول 5- آزمون رابطه معناداری متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

سطح معناداری P value	شدت رابطه Tc	معنی داری P value	کای اسکوئر X2	آزمون آماری متغیر مورد بررسی
0/000	0/31	0/000	31/83	رابطه جنسیت و نگرش به ضرورت حزب
0/000	0/38	0/000	37/27	رابطه رشته تحصیلی و نگرش به ضرورت حزب
0/000	0/52	0/000	48/06	پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نگرش به ضرورت حزب
0/179	0/068	0/000	26/14	مطالعه مطبوعات سیاسی و نگرش به ضرورت حزب
0/000	0/38	0/002	17/5	برنامه سیاسی رسانه‌ها و نگرش به ضرورت حزب
0/573	0/039	0/000	24	رابطه میزان مباحث سیاسی و نگرش به ضرورت حزب
0/009	0/12	0/17	6/33	میزان مشارکت مدنی سیاسی و نگرش به ضرورت حزب

با آزمون رابطه معناداری بین متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معنادار مشاهده شد ($P=0/000$). پایگاه افراد بر نوع نگرش به احزاب تأثیر می‌گذارد. هر چه پایگاه افراد بالاتر می‌رود از نگرش مثبت به احزاب کاسته می‌شود.

با آزمون رابطه معناداری بین میزان مطالعه مطبوعات سیاسی و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معناداری مشاهده شد ($P=0/000$). مطالعه مطبوعات و روزنامه‌های سیاسی بر نوع نگرش به احزاب تأثیر می‌گذارد. هر چه میزان مطالعه مطبوعات، روزنامه‌ها و مباحث سیاسی بیشتر باشد نگرش به احزاب مثبت خواهد بود.

با توجه به جدول 5، با آزمون رابطه معناداری بین متغیر جنس و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معناداری مشاهده شد ($P=0/000$). جنس پاسخگویان بر نگرش آنان تأثیر می‌گذارد. مردان بیش از زنان به احزاب نگرش مثبت نشان داده اند.

با آزمون رابطه معناداری بین متغیر رشته تحصیلی و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معنادار مشاهده شد ($P=0/000$). رشته تحصیلی بر نوع نگرش تأثیر می‌گذارد. دانشجویان علوم اجتماعی به تناسب مرتبط بودن رشته خود با مسایل اجتماعی، نگرش مثبت تری نسبت به احزاب نشان داده اند.

یک فعالیت مردانه تلقی می‌کند. فقدان عرصه عمومی به دولت امکان می‌دهد تا ضمن قبضه قدرت - که بیشتر در دست مردان است - همچنان میزان حضور زنان را در صحنه پایین نگه دارد. این امر سبب شده است که زنان نیز خواسته و ناخواسته نسبت به تشکلهای مدنی و فعالیت سیاسی بی تفاوت گشته و در نتیجه نگرش مثبتی به احزاب ابراز نکنند.

بین متغیر رشته تحصیلی و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده شد. دانشجویان علوم اجتماعی به تناسب رشته تحصیلی خود، نگرش مثبت تری به احزاب نشان داده اند. هرچه میزان تحصیلات افزایش یافته، از نگرش مثبت به احزاب کاسته شده است. در تحلیل آن می‌توان گفت که در حوزه عمومی، هر چه آگاهی افراد بیشتر باشد به همان نسبت انتظارات عمومی از او نیز بالاتر است و باید در فرآیند اجتماعی و سیاسی مؤثر عمل کند. دانشجویان در مقاطع تحصیلی پایین از یکسو با درک احساس رسالت ملی و اجتماعی خود و کنجکاو به مسایل اجتماعی و سیاسی، نسبت به تبعات فعالیت‌های مدنی و سیاسی، شناخت کمتری دارند. از سوی دیگر هرچه دانش و آگاهی آنان افزایش می‌یابد، تأثیرگذاری فعالیت‌هایشان بیشتر شده و در این حالت نظام سیاسی نسبت به این فعالیت‌ها، محدودیت بیشتری اعمال می‌کند. بنابراین افراد با محاسبه هزینه و فایده برای آینده شغلی و اجتماعی خود، بتدریج از فعالیت مدنی و سیاسی فاصله می‌گیرند.

بین متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده شد. هر چه پایگاه افراد بالاتر می‌رود از نگرش مثبت به احزاب کاسته می‌شود. در این خصوص می‌توان گفت که افراد با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا، به دلیل عدم اطمینان به آینده اجتماعی و شغلی، و از بیم به خطر افتادن منافع

با آزمون رابطه معناداری بین میزان استفاده از برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معناداری مشاهده شد ($P=0/002$). برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها بویژه (رادیو و تلویزیون و...) بر نوع نگرش به احزاب تأثیر می‌گذارد. هر چه میزان برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها بیشتر باشد به همان نسبت نگرش به احزاب نیز مثبت خواهد بود.

با آزمون رابطه معناداری بین میزان بحث و گفتگوی سیاسی و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معناداری مشاهده شد ($P=0/000$). مباحث و گفتگوهای سیاسی بر نگرش به احزاب تأثیر می‌گذارد. هر چه میزان مباحث و گفتگوهای سیاسی بیشتر باشد به همان نسبت نگرش به احزاب نیز مثبت خواهد بود.

با آزمون رابطه معناداری بین میزان مشارکت مدنی و سیاسی و نگرش به ضرورت احزاب، بین این دو متغیر ارتباط معناداری مشاهده نشد ($P=0/17$).

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین جنسیت، رشته تحصیلی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان مطالعه مطبوعات، مباحث و گفتگوی سیاسی، مشارکت مدنی سیاسی و نگرش به ضرورت احزاب سیاسی همبستگی معناداری وجود دارد.

بین متغیر جنس و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده شد. مردان بیش از زنان به احزاب نگرش مثبت نشان داده اند. در این خصوص می‌توان گفت که اقتدار سنت‌های حاکم و ضعف نهادهای مدنی در جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه، حضور زنان را در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی بر نمی‌تابد و آن را

تلویزیون به جهت گستردگی دایره پوشش و تنوع مخاطبان کمتر می‌تواند در محدودیت زمانی، برنامه‌های متنوع سیاسی نیز ارائه کند. این در حالی است که مطبوعات و روزنامه‌ها با ایدئولوژی و دیدگاه معینی شناخته می‌شوند.

بین متغیر مباحث و گفتگوهای سیاسی و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده شد. در تحلیل آن می‌توان گفت که در جلسات و بحث‌های سیاسی، دانشجویان ضمن مطلع شدن از عقاید و نظرات دیگران و جذب شدن در مباحث و گفتگوهای سیاسی، سطح آگاهی خود را افزایش داده و با توجه به همفکری، همسانی و نیاز به پذیرفته شدن در بین دوستان و... به شناخت نقاط قوت و ضعف خود می‌پردازند. از طرف دیگر با توجه به غیر رسمی بودن این مباحث و عدم تشویش خاطر از تبعات، نسبت به ادامه مباحث سیاسی علاقمند شده و در نتیجه نگرش مثبتی به احزاب ابراز می‌کنند.

بین متغیر مشارکت مدنی سیاسی و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده نشد. زمانی که مشارکت مدنی و فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی دارای محدودیت‌ها و موانع متعددی باشد، گرایش مثبتی نیز به آن نشان داده نمی‌شود. در این حالت اندیشه سیاسی به دلایل مختلف بروز نکرده یا زیرزمینی می‌شود. در صورتی که هزینه مشارکت و فعالیت سیاسی بیش از فایده آن باشد، تمایلی به این گونه فعالیت‌ها در افراد دیده نمی‌شود.

همچنانکه گفته شد جامعه مدنی حوزه مستقل و سازمانیافته‌ای است که در عین تنظیم رفتار شهروندان و محدود ساختن ملاحظات دولت، میانجی مناسبات دولت با اتباع خود است. جامعه مدنی حوزه، قلمرو و فضایی در کلیت حیات اجتماعی است. در چنین جامعه‌ای تنوع سلیقه‌ها و علایق گوناگون به رسمیت

خود، خواهان حفظ وضع موجودند و احزاب را در بی ثبات کردن وضع موجود دخیل می‌دانند. در نتیجه نسبت به کارکرد احزاب نگرش منفی ابراز می‌کنند. در مقابل افراد با پایگاه متوسط و پایین به دلیل نارضایتی از وضع موجود، از طریق نهادهای مدنی و فعالیت در احزاب به دنبال تغییر وضع موجود بوده و نسبت به احزاب نگرش مثبتی ابراز می‌دارند.

بین متغیر میزان مطالعه مطبوعات سیاسی و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده شد. هرچه مطالعه مطبوعات سیاسی بیشتر باشد، میزان آگاهی افزایش یافته و نگرش به احزاب مثبت خواهد بود. در این زمینه می‌توان گفت که چون مطالعه مطبوعات، روزنامه‌ها و مباحث سیاسی در فضای غیر رسمی و دوستانه انجام می‌گیرد، اثرگذاری آن بر نگرش‌های دانشجویان بیشتر است. آن دسته از مطبوعات که به لایه‌های اجتماعی و مدنی تعلق دارند، نسبت به آن دسته که به لایه قدرت وابسته‌اند از وجهه بهتری برخوردارند. حوزه عمومی به جهت نقد قدرت، بیان نقص‌ها، کاستی‌ها و انعکاس دیدگاه‌های گوناگون در جهت منافع همگان، محبوبیت بیشتری دارد.

بین متغیر میزان برنامه‌های سیاسی رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون و...) و نگرش به احزاب رابطه معناداری مشاهده شد. در تحلیل آن می‌توان گفت گرچه برنامه‌های رسانه‌ای بر نگرش به احزاب تأثیر مثبت داشته است، ولی با توجه به دولتی بودن رسانه‌های جمعی بویژه رادیو و تلویزیون در ایران، نفوذ جناح‌های قدرت و برخی برنامه‌های خارج از سلاقی عمومی، سطح اعتماد دانشجویان به عنوان قشر روشنفکر به این رسانه‌ها، کمتر از مطبوعات و روزنامه‌هاست. مطبوعات مستقل با جوشش از متن جامعه و جهت دهی نخبگان، بر نگرش به احزاب تأثیر زیادی داشته‌اند. البته باید گفت که رادیو و

دیدگاه‌ها و سلايق گوناگون آماده شود و امکان ایجاد نهادهای مدنی سازمان‌های سیاسی و احزاب از متن توده‌ها و شهروندان فراهم گردد. حکمرانی خوب معیارهای جامعه مدنی را در خود دارد. پاسخگویی و نظارت را می‌پذیرد، در مقابل حقوق خود انعطاف پذیر و در مقابل حقوق شهروندان انعطاف ناپذیر است، به افکار، تشکل‌ها و احزاب میدان می‌دهد، و مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد. در چنین جامعه ای، شهروندان با احساس رضایت از حکومت جامعه را در برابر خطرات احتمالی درونی و بیرونی یاری داده و شکست ناپذیر خواهند نمود.

منابع

- 1- اطاعت، جواد. مشارکت سیاسی در نظام‌های تکثرگرا، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 143 - 144، 1378.
- 2- بشیریه، حسین. جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، 1376.
- 3- بشیریه، حسین. جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، نشر علوم نوین، 1378.
- 4- تاج زاده، مصطفی. توسعه سیاسی در ایران، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، 1376.
- 5- دو ورژ، موریس. اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، نشر دادگستر، 1379.
- 6- راش، مایکل. جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارت سمت، 1377.
- 7- زایرکعبه، رحیم. بررسی کارکردهای احزاب سیاسی در جامعه مدنی، رساله کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، 1380.
- 8- سمتی، هادی. تحقق جامعه مدنی در ایران، هفته نامه جامعه مدنی، شماره 14، 1379.

شناخته می‌شود و از آن در جهت بهینه سازی امور جامعه استفاده می‌گردد. اختلاف دیدگاهها در جامعه مدنی نه تنها باعث درگیری و آشوب نمی‌شود، بلکه از آن در جهت قوام نظام اجتماعی و سیاسی بهره گرفته می‌شود. جامعه مدنی قلمرویی از زندگی اجتماعی است که از اعمال سلطه فارغ است و دسترسی به موقعیت‌ها و امکانات برای همه شهروندان تضمین شده است. ویژگی مهم جامعه مدنی، داشتن دولت و حکمرانی پاسخگوست که نظارت همه شهروندان را بدنبال خود دارد. حکمرانی خوب، مؤلفه‌های جامعه مدنی را بدنبال دارد و در عین حال از قدرت رسمی و قانونی برای صیانت از حقوق مدنی شهروندان نیز برخوردار است. جامعه مدنی برای عینیت بخشیدن به حکمرانی خوب، در مورد حقوق حاکم و مردم قواعدی وضع کرده است که بر اصول عقلانی، حقوق شهروندی، قانونگرایی، پاسخگویی، نظارت و محوریت آرای عمومی استوار است. تحقق جامعه مدنی و حکمرانی خوب، مستلزم ایجاد لایه‌های اجتماعی، سازمان‌های سیاسی و بویژه احزاب است. جامعه مدنی از سه لایه تشکیل شده است: لایه بالا (حکمرانی یا دولت خوب)، لایه میانی (تشکل‌ها و احزاب) و لایه پایین (شهروندان). در یک جامعه مدنی، حکومت خواسته‌های شهروندان را در چارچوب قانون جامه عمل می‌پوشاند. حکومت خودکامه و خودمحور نیست و از انحصار طلبی به دور است. دولت مصالح و منافع جمعی و ملی را در نظر می‌گیرد و به لایه‌های میانی، نهادهای مدنی و سازمان‌های سیاسی و احزاب اجازه سؤال و اعتراض می‌دهد. حکومت به افکار عمومی پاسخگو است و نظارت شهروندان را می‌پذیرد و بالاخره مشروعیت خود را از جانب مردم و قانون می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای تلاش می‌شود که بستر لازم برای طرح

- 26- Parsons, T. (1951) *The Social System*, Free Press.
- 27-Parry,G. and Moyser,G. (1990), *A map of Political Participation in Britain*, Government and Opposition, vol. pp147- 69.
- 28-Percheron,A.(1992), *Political Attitudes and Social Values of Youth and his Parents in France*, *Frencl Review*,SS,3,Feb.PP, 315-320.
- 29- Rousseau, J-J (1913) *The Social Contract* , Dent.
- 30-Rosen,M. Wolff,J. (2005), *Political Thought*, New York, Oxford University Press.
- 31-Weiner, Lapalombara(1976), *Political Party and Political Development*, Newjericy.
- 32-Weber,M.(trans.Henderson, A.M. Parsons,T). (1947), *The Theory of Social and Economic Organization*, Free Press.
- 9- عالم، عبدالرحمن. بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، 1375.
- 10- علیجانی، رضا. جامعه مدنی به زبان ساده، ماهنامه ایران فردا، شماره 39، 1376.
- 11- کاظمی اخوان، مسعود. توسعه سیاسی و جامعه مدنی، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 127 - 128، 1376.
- 12- محسنی تبریزی، علیرضا. بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، نامه پژوهش، شماره 3، 1375.
- 13- محسنی تبریزی، علیرضا. آسیب‌شناسی محیط‌های دانشجویی کشور، بررسی دانشگاه‌های دولتی تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، 1380.
- 14- نقیب‌زاده، احمد. حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز، تهران، نشر دادگستر، 1378.
- 15- هانتینگتون، ساموئل. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علم، 1370.
- 16- Abramson,P. Inglehart, R.(1986), *Generational Substitution and Value Change in Six Eueropean Countries*, *Journal of Political Science*, Feb.pp 1-25.
- 17- Bell,D. (1991), *Guide to Modern Usage*, American Scholar.
- 18- Gundelach,M.(1998), *Glimpses of Youth Values in Post Modern Society*, Chicago, Aldine.
- 19-Habermas, Jurgen(1970), *Toward a Rational Society*, Boston.
- 20- Habermas, Jurgen(1979), *Political Science*, London.
- 21- Hume, D(1978), *A Treatise on Human Nature*, Oxford University Press.
- 22- Held, D (1984), *Power and Legitimacy in Contemporary Britain*, in Mclenan, G. Held,D.and Hall,S.*State and Society in Contemporary Britain: A Critical Introduction*, Polity Press.
- 23- Lipset,S.M (1967),*Party System and Voter a Lignment*, New York.
- 24- Lipset,S.M (1973), *Political Man*, New York, Free Press.
- 25-Michels.R(1959),*Political parties asociological study of the oligarchical tendencies of modern democracy*, New york.